

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم قرآن

-۱-

مسلمانان در طول این قرون کتابهای بسیار راجع بقرآن تالیف کرده‌اند و همواره نظرشان خدمت بقرآن یا توجیه و بیان مطالب آن بصورت علمی یا ادبی بوده است.

ولی متأسفانه برخی در این کار افراط کرده و ای بسا موجب اختلاف و تفرق مسلمانان شده‌اند بحث در این موضوع نیز بسیار مفصل و از کارما بیرون است و شرح آن را در کتابهای تاریخ ادبیات و تفسیر قرآن مجید و تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی میتوان دید.

و این بنده در درس تاریخ ادبیات عرب که در دانشکده الیهات و معارف اسلامی تدریس میکنم اشارتی بدان کرده است.

ج- علوم ادبی قرآن . بحث از لغات و ترکیبات و نکات ادبی و اسرار فصاحت و بلاغت قرآن کردیم که خود مسئله جدا گانه‌ای است و حائز اهمیت بسیار میباشد بخصوص در درك بلاغت و اعجاز آن از این جهت، و در کتبی که در علوم ادبی و بخصوص در علوم بلاغت تألیف شده است ، میتوان این نکات را تا حدی بررسی کرد- قطع نظر از کتبی که برای این موضوع خاص نوشته شده است و این مباحث بصورت‌های مختلف در کتب تفسیر آمده است .

دانستنیهای مربوط به قرآن از چند جهت میتواند مورد بحث قرار گیرد:

الف - مطالبی که قرآن کریم شامل بر آنست . از از قبیل اثبات الوهیت، توحید، دعوت بحق، ملائکه، وحی رسالت و نبوت، محاجه و بحث با مخالفان، شرح حال پیغمبران و داستان مخالفان و سرکشان ، عاقبت نیک‌مؤمنان ، فرجام بدکافران ، معاد ، نعیم و عذاب آخرت ، تصویرهای زیبا از روز رستاخیز و بهشت و جهنم، تاریخ گذشتگان ، احکام دین، فضائل و ردائیل اخلاق ، آغاز آفرینش، توجه به دقت در جهان هستی ، برانگیختن به تفکر و تعقل اموری از جهان غیب ، اسراری از جهان هستی که علوم امروز تا حدی آنرا توجیه و تبیین کرده است ، و امثال آن. و بعبارت کوتاه علوم قرآن از این نظر یعنی مطالبی از علوم الهی و طبیعی و دینی و تاریخی و اخلاقی که در قرآن آمده است و این بخشی است عالی ولی فعلا مورد نظر و کارمانیست.

ب - علمی که برای خدمت بقرآن یا در نتیجه تأثیر آن بوجود آمده است.

مانند نحو و لغت و صرف و علوم بلاغت و تفسیر که اساس تدوین و تألیف همه آنها خدمت بقرآن بوده است و

د - علمی که موضوع آن خود قرآن است. از قبیل اسامی قرآن، مبنای تفسیر و تأویل سوره، آیه، فاصله، فواتح سوره، تناسب بین آیات، کیفیت نزول آیات، اول و آخر سوره‌ای که نازل شده است، شأن نزول آیات، مکی و مدنی و فرق آنها، اعجاز قرآن و وجوه آن، نوشتن و جمع آوری آیات، کتاب وحی، وقوع یا عدم وقوع تصحیف یا تحریف، قراءات و لهجات مختلف. قراءت و قراءت سببه، محکم و منشا به، وجوه مختلف تفسیر، مفسران بزرگ، تعداد سوره و آیات، کیفیت قراءت و تجوید، آداب تلاوت احکام قرآن، و امثال اینها.

بحث ما در جهت اخیر است:

نامهای قرآن

دانشمندان برای قرآن اسامی بسیار ذکر کرده‌اند برخی سه و بعضی بیش از نود نام برای قرآن از خود آن استخراج نموده‌اند و ما بعضی از آنها را ذکر میکنیم.

۱- قرآن

قرآن بر حسب لغت مصدر است بمعنای خواندن یا ظاهر نمودن و بمعنای رساندن نیز آمده است. گویند: «قرأ اللکتاب» یعنی آنچه را که در آن نوشته شده است به زبان آورد، یا در آن نظر و مطالعه نمود. و «قرأ الشیء» یعنی آنرا جمع کرد.

و در اصطلاح و عرف مسلمین قرآن نام است برای کتاب و مجموع سوره و آیاتی که از طرف خدا بطریق وحی بر پیغمبر اسلام نازل شده است. و قرآن همچنانکه بر مجموع سوره و آیات اطلاق میشود، بر یک سوره و یک آیه هم اطلاق میشود.

این نام در خود قرآن مجید نیز آمده است. مانند «انه لقرآن کریم» سوره واقعه آیه ۷۷ «وما ننده ان هذا القرآن یقص علیک».

بعضی گویند: تسمیه این کتاب آسمانی بقرآن بمعنای جمع و تألیف سوره و آیات است.

و بعضی گفته‌اند: از همان معنای خواندن است و بمعنای اظهار و ابلاغ نیز گفته شده است و همه اینها مناسبتی دارد. و نکته اینجا است که این کلمه از نخستین سوره‌ئی که بر پیغمبر نازل شد که: «اقرأ باسم ربک الذی خلق» گرفته شده است. و این کلمه بمعنای مصدری نیز در قرآن آمده است: «ان علینا جمعه و قرآنه» (سوره القیامه آیه ۱۷). بعضی نیز این کلمه را «قران» بدون همزه تلفظ کرده و از «قرن» بمعنای ضم گرفته‌اند. ولی خلاف مشهور است.

۲- کتاب

«الم ذلک الکتاب لاریب فیه» (سوره بقره آیه ۲) حم و الکتاب المبین (سوره الدخان آیه ۲۰).

لغت کتاب در اصل بمعنای جمع است و کتابت بمعنای نوشتن از همین است زیرا که در آن حروف جمع‌اند و نیز کتاب گویند زیرا در کتاب انواع مطالب از قبیل آیات و قصص و اخبار و احکام یا دیگر مطالب بوجه خاصی جمع آمده است «کتاب» بر «مکتوب» یعنی نوشته شده نیز اطلاق میشود «فی کتاب مکنون» (سوره واقعه آیه ۷۸).

کتاب حرکاتی است که بوسیله آن حروف و کلمات جمع آیند بدانگونه که بر معنی مقصود، دلالت کند. و قرآن نیز کتاب است بمعنای مکتوب یعنی نوشته شده.

۳- کلام الله

«حتى یسمع کلام الله» (سوره التوبه آیه ۶).

کلام بمعنای سخن گفتن از «کلم» بمعنای جراحت رساندن است. و کلام را از این جهت کلام گفته‌اند که تأثیر دارد.

آنچه زخم زبان کند یا من زخم شمشیر جانستان نکند جراحات السنان لها التیام و لا یلتام ما جرح اللسان قرآن سخن الهی است که بطریق وحی بر پیغمبر صلی الله علیه و اله نازل شده است و بحث در حقیقت کلام الهی از نظر فلسفه و کلام خارج از موضوع مورد نظر ما است.

صدر المتألهین صاحب اسفار در کتاب مفاتیح الغیب در فرق بین کلام و کتاب سخنان بسیار دارد . میگوید :

«فرق میان آنها اینست که کلام خدا بسیط است ولی کتاب او مرکب است و کلام خدا دفعی است ولی کتاب او تدریجی است. و در انسان نیز کلام و کتاب او را فرق اینست که وقتی سخن میگوید، و حروف را در هوا تصویر میکند سخنش قائم به او است که فاعل است ولی وقتی مینویسد همان حروف را در لوح کاغذ یا مانند آن تصویر میکند . و این صورت کتاب نام دارد و قائم بماده است.»

سخن او در این بازه مفصل است و نقل تمام مطالب او از حوصله این مقاله بیرون است.

۴- نور

«وانزلنا الیکم نوراً مبیناً (نساء : ۱۷۵)»
بسوی شما نوری روشن یا روشن کننده فرو فرستادیم .

نور روشنائی است که ظلمت را از بین میبرد و قرآن نوری است که ظلمات جهل را میزداید . و حقایق الهی و احکام دین و فضائل اخلاقی و بسیاری از علوم دیگر بوسیله قرآن روشن و آشکار میگردد .

«... و اتبعوا النور الذی انزل معه (سوره الاعراف ۱۵۷)»

۵- هدی

«الم ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین (آغاز بقره)»
«... هدی ورحمة للمحسنین (لقمان: ۳)»

قرآن هادی و راهنما و رحمت است ، آشکارا بحق راهنمائی میکند و حق را از باطل جدا می سازد . و اگر با دقت به طرز فکر آنروز جامعه عربی بنگریم و اوضاع و احوال آنها را در نظر بگیریم و علمی را که از قرآن استفاده شده است مورد دقت قرار دهیم ، قدرت راهنمائی قرآن بر ما معلوم میشود .

۶- فرقان

«تبارك الذی نزل الفرقان علی عبده ... (آغاز سوره فرقان)» بزرگوار است خدائی که قرآن را که تشخیص دهنده و فرق گذارنده است برابنده خود نازل کرد . زیرا فرقان از فرق است . و فرق جدائی افکندن میان دو چیز است و قرآن میان حق و باطل و مسلم و کافر و مؤمن و منافق جدائی افکند.

۷- ذکر

«انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» . ما خودمان قرآن را نازل کرده ایم و خودمان آن را حفظ میکنیم . و نیز فرموده است: «هذا ذکر مبارك انزلناه» و این قرآن یادآوری پربرکتی است که ما آن را نازل کردیم .

قرآن ذکر نامیده شده است زیرا که بهترین یادآوری از خدا و حق و حقیقت است و نیز پند و موعظه و اخبار گذشتگان است.

و نیز ذکر بمعنای شرف و شرافت آمده است ، در قرآن کریم است که: «ولقد انزلنا الیکم کتاباً فیه ذکر کم... (سوره انبیاء آیه ۱۰)» که تفسیر شده است به اینکه کتابی بر شما فرو فرستاده ایم که در آن شرف و افتخار شما است

۸- تنزیل

«وانه لتنزیل رب العالمین (سوره شعراء آیه ۱۹۲)» . قرآن فرو فرستاده پروردگار همه عالم هاست . تنزیل مصدر نزل و در اینجا بمعنای اسم مفعول است و معلوم است که قرآن از طرف پروردگار بر پیغمبر نازل شده است .

۹- احسن الحدیث

«الله نزل احسن الحدیث... (سوره زمر آیه ۲۳)» خدا بهترین سخن را فرستاده است چه سخنی بهتر از کلام خدا است؟! چه سخنی بهتر از آنست که ما را با خدا آشنا سازد و بطریق سعادت رهنمون گردد؟! و بحقایق توجه دهد و همه انواع عالی کلام در آن جمع باشد بدینگونه که قرنها علمای ادب

وبلاغت برای درک نکات دقیق و اسلوب عظیم آن کوشش کنند و کتابها تألیف نمایند؟!

۱۰- شفاء

«... و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين (سورة الاسراء آیه ۸۲)» و ما قرآنی نازل میکنیم که برای مؤمنان شفاء و رحمت است. زیرا قرآن درمان درد جهل و رذیلت و فساد است هر انکس آن را بفهمد و بدان عمل کند از درد جهل و فساد رهائی یابد. پیغمبر با همین قرآن از مردمی جاهل و نادان که رذائل اخلاق در آنها شایع بود، ملتی بوجود آورد که آن تمدن درخشان را بوجود آوردند و انگونه پیشرفت کردند که نیمی بیشتر از جهان آن روز را تحت تصرف خویش درآوردند.

۱۱- موعظه

«... قد جاء تکم موعظه من ربکم... (سورة یونس آیه ۵۷)» برای شما از طرف پروردگارتان پندی آمده است. و این خود واضح است که آن در درجه اعلاهی از وعظ و پند است.

۱۲- تذکرة

«... و انه لتذکرة للمتقين... (سورة المائدة آیه ۵۴)» همانا قرآن یادآوری است برای پرهیزکاران... چون در کلمه «تذکره» مبالغه است و پرهیزکاران بیش از دیگران از قرآن بهره مند میشوند و بپایاد آخرت میافندند، تذکره بودن قرآن به آنان اختصاص داده شده است.

۱۳- حکمة

حکمة بالغة... (سورة القمر آیه ۵) قرآن دانشی است عالی که اثر آن بهمه کس میرسد. حکمت بمعنای دانش و بخصوص فهم نکات علمی و اخلاقی است و قرآن جامعترین کتبی است که انسان را بنکات اخلاقی و تعقل و تفکر و امیدارد و عالیترین مطالب حکمت الهی و اخلاقی را بما میآموزد.

۱۴- حبل

« و اعصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا » (سورة آل عمران آیه ۱۰۳) « همگان بریسمان خدا دست زنید. قرآن رابطه بین خدا و خلق است و مانند ریسمانی است که برای نجات بشر از جهل و فساد، از آسمان عظمت الهی فرو فرستاده شده است تا آنان را به اوج سعادت، بالابرد، و وسیله نجات آنها باشد. مردمی که با قرآن سروکار نداشته باشند گویی باخدای خود، قطع رابطه کرده اند.

۱۵- صراط مستقیم

«اهدنا الصراط المستقیم» ما را براه راست هدایت کن صراط بقرآن تفسیر شده است. زیرا قرآن یگانه راه و روشنترین طریق بسوی خدا است. هر کس از این راه رفت بسعادت رسید.

۱۶- روح

«و كذلك اوحینا الیک روحاً من امرنا...» (سورة الشوری آیه ۵۲)

همانگونه ما از طرف خودمان بسوی تو، روحی

فرستادیم. روح به قرآن، تفسیر شده است. و این تعبیر با توجه به اینکه مردم عرب در حقیقت مرده بودند، و از علائم حیات انسانی، در آنها کمتر دیده میشد؛ معلوم میشود که اسلام بر آستی آنها را زنده کرد چنانکه فرمود:

«یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم... (انفال ۲۴)» ای کسانی که ایمان آورده اید دعوت خدا و رسول را - که شمارا بدینی میخوانند که بشما زندگی میبخشد - بپذیرید.

اثر حیات اگر صرف حرکت و احساس باشد در جانوران دیگر هم هست. اثر حیات انسانی، در دانش و فضیلت

